

محدودیت‌های ازدواج زن مسلمان با مرد غیر مسلمان و ازدواج زن ایرانی با مرد غیر ایرانی

دکتر اختر سلطانی 1، پروین فتاحی 2

1 عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ایلام- ایران.

akhtar.soltanii@yahoo.com

2 کارشناسی ارشد حقوق، دانشگاه آزاد واحد ایلام- ایران.

Pa.fatahi1392@gmail.com

چکیده:

قوانین جمهوری اسلامی ایران برای ازدواج زن مسلمان با مرد غیرمسلمان و همچنین ازدواج زن ایرانی با مرد غیر ایرانی شرایطی را در نظر گرفته است. طبق ماده 1059 قانون مدنی ایران نکاح زن مسلمان ایرانی با مرد غیرمسلمان جائز نیست و براساس ماده 1060 همین قانون ازدواج زن ایرانی با تبعه خارجی در مواردی هم که مانع قانونی نداشته باشد، موکول به اجازه مخصوص از طرف دولت ایران است حتی دولت می تواند براساس ماده 1061 قانون مدنی ازدواج بعضی مستخدمین و مأمورین رسمی و محصلین دولتی را با زنی که دارای تابعیت خارجی باشد موکول به اجازه مخصوص کند و الا هر فرد خارجی که بدون اجازه قانونی با زن ایرانی ازدواج کند به حبس تأدیبی از یک تا 3 سال محکوم خواهد شد. در این مبحث به قوانین و مقرراتی اشاره خواهیم کرد که به موجب آن بانوان ایرانی می توانند با مردان خارجی (غیرایرانی) ازدواج کنند.

کلمات کلیدی: زن مسلمان، مرد غیرمسلمان، ازدواج، قانون مدنی

Restrictions on marriage between Muslim women and non-Muslim man and woman to marry a foreign man

Akhtar, soltani¹; parvin, fatahi² (10 , Normal bold)

1- Faculty Member of Islamic Azad University of Ilam, Iran
akhtar.soltanii@yahoo.com

2- Master of Law, Islamic Azad University of Ilam, Iran.
Pa.fatahi1392@gmail.com

Abstract

The Islamic Republic of Iran to marriages between Muslim women and non-Muslim man to marry a woman with a foreign man considered conditions. According to Article 1059 of the Civil Code of the marriage of a Muslim woman in Iran with non-Muslim man is forbidden, and on the basis of Article 1060 of the same law marriage of Iranian women to foreign nationals in cases where legal difficulties have, subject to special permission from the Iranian government, even the government can be based on Article 1061 of the law. In this article we will refer to the rules and regulations whereby Iran can women with foreign men (foreigners) marry.

Keywords: *Female Muslim, non-Muslim man, marriage, civil law*

محدودیت زن مسلمان با غیر مسلمان:

گفتار اول: محدودیت ازدواج زن مسلمان با غیر مسلمان از منظر اسلام:

یکی از موانع ازدواج برای مرد یا زن مسلمان، شرک است.

مسلمان نمی‌تواند با مشرک به صورت دائم یا موقت ازدواج کند.

قرآن می‌فرماید: با زنان مشرک تا ایمان نیاورده‌اند، ازدواج نکنید (اگر چه، جز به ازدواج با کنیزان دسترسی نداشته باشید

زیرا) کنیز با ایمان، از زن آزاد بت پرست، بهتر است؛ گرچه شیفته زیبایی و ثروت یا موقعیت او شوید: «وَلَا تُنْكَحُوا الْمُشْرِكَةَ

حَتَّىٰ يُؤْمِنَ وَلَا مَؤْمِنَةٌ خَيْرٌ مِّنْ مُّشْرِكَةٍ وَلَا تُنْكَحُوا

در ادامه آیه می‌فرماید: زنان مسلمان را به مردان مشرک ندهید (اگرچه ناچار شوید آن‌ها را به همسری غلامان با ایمان در

آورید)؛ زیرا غلام با ایمان از مرد بت پرست بهتر است؛ هرچند از مال و موقعیت و جدابیت او خوشتان بیاید: «وَلَا تُنْكَحُوا

الْمُشْرِكِينَ حَتَّىٰ يُؤْمِنُوا وَلِعَبْدٌ مُّؤْمِنٌ خَيْرٌ مِّنْ مُّشْرِكٍ وَلَا تُنْكَحُوا

عُلل حرمت ازدواج با مشرکان

حکمت تحریم ازدواج با مشرکان، جلوگیری از تأثیر آنان بر فرهنگ جامعه اسلامی است: «أُولَئِكَ يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ وَاللَّهُ

يَدْعُوا إِلَى الْجَنَّةِ وَالْمَغْفِرَةِ بِأَذْنِهِ...؛ آنان (مشرکان) به سوی آتش دعوت می‌کنند، درحالی‌که خدا دعوت به بهشت و آمرزش

می‌نماید».

درباره حفظ اعتقادات جامعه و دگرگونی تدریجی آن نمی‌توان بی‌تفاوت بود؛ به‌ویژه با توجه به این‌که اگر مشرکان از طریق

ازدواج به درون خانه‌های مسلمانان راه یابند، افزون بر تأثیرپذیری فرزندان و زنان و برخی از اقشار مسلمانان، جامعه

اسلامی گرفتار دشمن داخلی می‌شود، و با مختلط شدن نژادها و پیروان ادیان دیگر، هویت دینی، ملیت و اصالت نژادی آن به

خطر می‌افتد.

دلیل اینکه چرا اسلام به مرد مسلمان اجازه داده که زن یهودی و نصرانی را نکاح کند ولی به زن مسلمان اجازه نمی‌دهد با

مرد یهودی و نصرانی ازدواج نماید، این است که مرد رئیس خانواده و مسلط بر زن و مسئول زندگی او است و اسلام آزادی

عقیده و حقوق زن کتابی را در سایه مرد مسلمان تضمین نموده و به مرد مسلمان دستور داده احترام او را محفوظ دارد،

آیه شریفه 221 سوره بقره می‌فرماید:

وَلَا تُنْكَحُوا الْمُشْرِكَةَ حَتَّىٰ يُؤْمِنَ... وَلَا تُنْكَحُوا الْمُشْرِكِينَ حَتَّىٰ يُؤْمِنُوا... (221)

بازنان مشرک ازدواج نکنید مگر اینکه ایمان بیاورند، با مردان مشرک ازدواج نکنید مگر اینکه مؤمن شوند.

دانشمندان اسلامی ازدواج زن مسلمان با مرد کتابی را صحیح نمی‌دانند حتی در ماده (1059) قانون مدنی به تصریح

می‌گوید: ازدواج زن مسلمان با غیر مسلم نیز جایز نیست.

قرآن کریم هر گونه تسلط، حکمرانی و امر و نهی کفار بر مسلمانان را در تمام امور اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و خانوادگی

نفی می‌کند و دستور می‌دهد مسلمانان عزتشان را حفظ کنند و زیر دست آنان قرار نگیرند. چنان‌که می‌فرماید: «لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ

لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» خداوند هیچ‌گاه برای کافران تسلطی بر مؤمنان قرار نداده است. و چون اطاعت زن از مرد، زندگی

خانوادگی را استحکام می‌بخشد اگر زن مسلمان با مردی از اهل کتاب ازدواج کند، باید اوامر و نواهی او را در زندگی بپذیرد. در

نتیجه، طبیعی است که اخلاق و رفتار او را قبول می‌کند؛ چنان‌که امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «المرأة تأخذ من أدب زوجها و يقهرها على دينه»؛ زن تربیت و رفتار همسرش را می‌پذیرد و مرد او را به قبول دین خود مجبور می‌کند؛ بنابراین زن مسلمان چه بسا پس از ازدواج با اهل کتاب از یکتاپرستی روی بگرداند و کافر شود؛ از این رو اسلام چنین پیوند زناشویی را به صلاح زن مسلمان ندانسته و او را از این عمل باز داشته است. در روایتی از معلى بن خنيس از امام صادق علیه السلام نقل است: «خداوند می‌فرماید: کسی که بنده مؤمن مرا ذلیل و خوار گرداند باید با من بجنگد»؛ پس جایز نیست با این گونه تزویج، زنان مسلمان را به خواری کشاند.

قرآن کریم در آیه دیگری می‌فرماید: «فَلَا تَرْجِعُوهُنَّ إِلَى الْكُفَّارِ لَا هُنَّ حِلٌّ لَّهُمْ وَلَا هُمْ يَحِلُّونَ لَهُنَّ» آنان (زنانی که مسلمان شده بودند) را به کفار برنگردانید. (چرا که) نه اینان بر آن کافران حلالند و نه مردان کافر بر این زنان مسلمان حلالند. نقل است: کسی از امام صادق علیه السلام پرسید: زخم خواهری عارفه دارد و در محله‌ای از بصره زندگی می‌کنیم که افراد کمتری هم‌دین ما هستند آیا می‌توانیم او را به یکی از آنان تزویج کنیم؟ امام صادق علیه السلام با استدلال به آیه مذکور او را از این کار نهی فرمودند.

یکی از حکمت‌های ازدواج کردن در آیات و روایات اسلامی، بقای نسل است؛ بنابراین اگر مردی با زنی از اهل کتاب ازدواج کند، فرزندی که از زن ذمی متولد می‌شود به مرد مسلمان ملحق است یعنی مسلمان به شمار می‌آید. اما اگر زن مسلمان با مردی از اهل کتاب ازدواج کند، فرزند او به کافر ملحق است نه مسلمان! هر چند طبق موازین اسلامی، مطلقاً ملحق به مسلمان باشد ولی بر اساس حاکمیت مرد، او مانع چنین کاری خواهد شد، و این خلاف حکمت مذکور (بقای نسل) و استقرار انسان در راه مستقیم و هدایت است و با ارسال رسل و انزال کتب، که همگی در راه هدایت بشر بوده است منافات دارد. پس چنین ازدواجی که موجب می‌شود جمعیت کفر افزایش یابد و مسلمان نیز زیر سلطه آنان قرار گیرد در اسلام ممنوع است. بنابراین از آنجایی که ازدواج و ارث بردن و... با پذیرفتن اسلام، مشروعیت پیدا می‌کند و صحت عقد بر آن مترتب است. و تسلط غیر مسلمان بر مسلمان جایز نیست، و عزت انسان مؤمن باید حفظ شود، ازدواج زن مسلمان با مرد کتابی ممنوع به شمار می‌آید و این مسأله نه فقط ازدواج ابتدایی را شامل است، بلکه بر اساس روایات، زنی که همسر مرد کتابی بوده و مسلمان شده است باید از او جدا شود؛ پس وقتی ادامه زندگی یک زن مسلمان با غیر مسلمان جایز نیست، ازدواج ابتدایی با او به طریق اولی ممنوع است.

گفتار دوم: محدودیت ازدواج زن مسلمان با غیر مسلمان از منظر حقوقی:

بررسی دیدگاه قانونگذار در زمینه نکاح زنان مسلمان با مردان غیر مسلمان نشان داده است که قانونگذار متفق با قول و آراء فقها و آیات قرآن کریم، محدودیت‌ها و موانعی را در نظر گرفته که در این بخش به بررسی این موارد اشاره شده است.

متن ماده 1059 قانون مدنی چنین است: نکاح مسلمه با غیر مسلم جایز نیست.

ماده 1060: ازدواج زن ایرانی با تبعه خارجی در مواردی که مانع قانونی ندارد، موکول به اجازه مخصوص از طرف دولت است.

ماده 1061: دولت می تواند ازدواج بعضی از مستخدمین و مامورین رسمی و محصلین دولتی را با زنی که تبعه خارجی باشد، موکول به اجازه مخصوص نماید.

همان گونه که ملاحظه می شود، در این مواد قانون مدنی تنها به ازدواج زن مسلمان با مرد غیر مسلمان وزن ایرانی با مرد غیر ایرانی و ازدواج وابستگان به دولت با زنان تابع کشورهای دیگر اشاره شده، ولی ازدواج مرد ایرانی که کارمند دولت نیست، سخنی به میان نیامده و این به معنای جواز ازدواج مردان ایرانی با زنان غیر ایرانی است، به جز مواردی که شرع مقدس اسلام و فقه شیعه آن را مجاز نداند.

می توان گفت: در این مواد قانونی، اهتمام قانونگذار بیشتر به بعد سیاسی این ازدواج بوده، چه این که براساس قوانین ایران و بعضی دیگر از کشورهای جهان، زنان از نظر تابعیت محکوم به تابعیت شوهر خود بوده و تابعیت کشور خویش را از دست می دهند، بنابراین اگر زن ایرانی بخواهد با مرد غیر ایرانی ازدواج کند، قهرا تابع کشور متبوع شوهرش خواهد بود و تابعیت ایران را از دست می دهد، و از آن جا که از نظر سیاسی، دولت موظف است در قبال افرادی که تابعیت کشور را دارا هستند، حمایت سیاسی و ب داشته باشد، وظیفه خود می داند که نسبت به کسانی که می خواهند به تابعیت او در آیند، یا از تابعیت او خارج گردند نیز نظارت داشته باشد و احیانا در مواردی که این نوع ازدواج مشکلات سیاسی برای دولت در پی داشته باشد، از آن منع نماید.

آنچه در ازدواج با بیگانگان می تواند برای دولت مشکل آفرین باشد، ازدواج زن ایرانی با مرد غیر ایرانی و ازدواج کارمندان و وابستگان به دولت با زنان خارجی است، ولی ازدواج مردان ایرانی که مسوولیت دولتی و به خصوص سیاسی به عهده ندارند، معمولاً مشکلی برای دولت ایجاد نمی کند، جز این که با این ازدواج، فردی به مجموع اتباع کشور افزوده شود، بنابراین، عدم منع دولت از چنین ازدواجی را می توان نوعی تساهل در پذیرش اتباع از جانب دولت به شمار آورد.

پر واضح است که تخلف از چنین مقرراتی که بار سیاسی دارد و صرفاً به خاطر مصالح خاصی از جانب دولت وضع می گردد و از نظر شرعی بلامانع شناخته شده است، موجب بطلان ازدواج نخواهد بود و تنها افراد بایستی مجازاتهایی را که محتملاً از طرف دولت بر این تخلف تعیین می شود، متحمل گردند. (سیاح، 1373، ج 1، 284).

از آن جا که ازدواج با زنان غیر مسلمان و غیر اهل کتاب برای مردان مسلمان، به اعتقاد همه فقهای مسلمان جایز نیست، مردان ایرانی نیز نمی توانند جز با زنان مسلمان و یا اهل کتاب از ایرانی و غیر ایرانی ازدواج کنند، زیرا قوانین کشوری به طور کلی تابع قوانین شرعی است و در هر مورد که تعارضی بین قوانین کشوری با قوانین شرعی مطرح باشد، قوانین کشوری کان لم یکن محسوب شده و افراد، محکوم به قوانین شرعی هستند، در این جاست که بار دیگر مساله بیگانه به مفهوم دینی مطرح می گردد و همه مباحثی که در این گفتار در بیان حکم چنین ازدواجی گفته شد، باید مورد توجه قرار گیرد و قهرا هر گروهی تابع رای فقهی مکتب حقوقی مورد قبول خود خواهند بود: پیروان فقه حنفی، تابع فقه حنفی و پیروان دیگر مذاهب فقهی اهل سنت (شافعی و مالکی و حنبلی)، تابع مذهب خویش هستند و پیروان فقه جعفری تابع حکم مرجع تقلید خود خواهند بود.

قدر مسلم این که ازدواج زنان مسلمان ایرانی با مردان غیر مسلمان اعم از ایرانی و غیر ایرانی و ازدواج مردان مسلمان با زنان غیر مسلمان و غیر کتابی اعم از ایرانی و غیر ایرانی به اعتقاد فقهای اسلام و از همه مذاهب اسلامی باطل می باشد، ولی ازدواج زنان و مردان ایرانی غیر مسلمان با زنان و مردان غیر ایرانی نیز براساس اعتقاد مذهبی خود آنان بررسی می گردد و در مواردی که از نظر شرعی و دینی، ازدواج ایرانیان با افراد غیر ایرانی بلامانع باشد، آن گاه پای بحث از بیگانه به مفهوم کشوری مطرح خواهد

بود وبالطبع زنان ایرانی تنها با اجازه دولت می‌توانند به ازدواج مردان غیر ایرانی در آیند، ولی مردان ایرانی به جز افراد کشوری ولشگری که دولت آنها را از این کار منع نموده می‌توانند بدون کسب اجازه از دولت نیز اقدام به چنین ازدواجی بنمایند.

مرجع صالح برای صدور جواز ازدواج براساس مصوبه 54/7/6 وزارت کشور است و ماده 4 همین تصویبنامه به وزارت کشور اجازه می‌دهد که به استانداریها و فرمانداریهای کل ، وهمچنین با موافقت وزارت امور خارجه به بعضی از نمایندگان سیاسی و کنسولی ایران در خارج از کشور نیز چنین اختیاری داده شود تا در محل حضور خود چنین اجازه ای را صادر کنند و مراتب را به ثبت احوال و اسناد کشور اعلام دارند.

فلسفه ماده 1060 قانون مدنی این است که در پاره ای از کشورها مثل ایران تابعیت شوهر بر زن تحمیل می‌شود، پس لازم است که دولت از نظر سیاسی بر این نکاح نظارت داشته باشد، به همین جهت به نظر می‌رسد که ضمانت اجرای آن ، نافذ ندانستن چنین نکاحی است .

روشن است که این پیشنهاد از جهات متعددی قابل اشکال و ایراد است ، چه این که اولاً از مهمترین اصول حقوق بشر، آزادی ازدواج هر زن و مرد با فرد دلخواه خود می‌باشد و از طرفی تابعیت یک امر اختیاری است و هر فرد از نظر قوانین بین المللی آزاد است که تابعیت هر کشوری را در صورت واجد بودن شرایط به دست آورد، بنابراین هیچ کشوری نمی‌تواند الزاماً افرادی را برای همیشه در تابعیت خود باقی بدارد، جز این که مسائل امنیتی و مشکلات اجتماعی ، ضرورتاً به او چنین اجازه ای را بدهد.

بنابراین ، عدم نفوذ ازدواج زن ایرانی با مرد خارجی ، با این هر دو اصل در تنافی است ، و مهمتر این که در این مساله جای سوال وجود دارد که جلوگیری دولت از نفوذ عقدی که از نظر شریعت ، واجد شرایط صحت است و مورد قبول طرفین عقد می‌باشد، چگونه ممکن است ؟

به دیگر سخن ، عقد و قرار دادی که واجد شرایط لازم برای صحت قانونی باشد، خود به خود نافذ است و با چنین ازدواجی زن و مرد، همسر شرعی و قانونی یکدیگر خواهند بود و قهراً دولت نمی‌تواند جلو نفوذ آن را بگیرد، جزاین که معنای نفوذ در این جا همان عدم اجازه خروج چنین زنی از کشور، یا الزام آنان به جدایی از یکدیگر باشد، که به هر حال باز هم خالی از اشکال نخواهد بود.

از این رو ارائه پاسخ نهایی به این اشکال ، تنها براساس مشروعیت دولت و اعتراف به اختیارات دولت در مورد اموری که در درجه اول ، مباح است ، ممکن خواهد بود، یعنی در مواردی که شریعت اسلام به عنوان اولی حکمی را نسبت به موضوعی بیان داشته ، این حکم در صورتی قابل عمل است که با عناوین ثانوی رو به رو نباشد، فی المثل ، شارع مقدس می‌فرماید: الارض لله ثم لمن احياها، زمین ملک خداست و بعد از احیا، متعلق به احیا کننده آن است .

روشن است که فرد احیا کننده بر اساس این حدیث شریف ، مالک زمین شناخته می‌شود، ولی این مالکیت به شرطی است که دولت اسلامی از احیای ارضی در مورد خاصی منع نکرده باشد و با فرض اعلان مخالفت دولت ، چنین احیایی برای احیا کننده ایجاد حق و ملک نمی‌کند.

آنچه گفته شد ناظر به موضع قوانین ایران اسلامی راجع به ازدواج با بیگانگان بود و اما دیگر کشورهای اسلامی مواضع مخصوص به خود را دارند که در بعضی محدودیت و در بعضی دیگر تساهل و تسامح بیشتری به چشم می‌خورد فی المثل در لبنان نه تنها ازدواج مردان مسلمان با زنان اهل کتاب به ثبت می‌رسد، بلکه عکس آن نیز ممکن است ، ولی در مصر چنین

نیست و اما در کشور عربستان نه تنها ازدواج با اهل کتاب حتی برای مردان مسلمان ممکن نیست، بلکه ازدواج زن و مرد شیعی با زن و مرد سنی نیز رسمیت ندارد.

در این راستا قانون مدنی، نکاح زن مسلمان را با مرد غیر مسلمان ممنوع کرده است. نکاح مسلم با غیر مسلم جایز نیست اما اگر مرد مسلمان با زن غیر مسلمان (کتابیه) ازدواج کند چون به دین احترام می‌گذارد، اشکالی از جهت اختلاف دین پیش نخواهد آمد.

هرگاه زن و شوهر هر دو کافر باشند و زن اسلام اختیار کند، نمی‌تواند به زندگی زناشویی با مرد کافر ادامه دهد در این صورت نکاح منحل خواهد شد، زیرا کفر هم ابتدائاً و هم استداماً مانع نکاح است.

راجع به ازدواج مرد مسلمان با زن غیر مسلمان قانون مدنی ساکت است و ظاهر این است که قانونگذار با توجه به فقه اسلامی نخواست است این ازدواج را منع کند این معنی از مفهوم مخالف ماده 1059 قانون مدنی هم قابل استنباط است اما ازدواج با زنان غیر کتابیه را منع کرده است.

محدودیت ازدواج زن غیر مسلمان در قانون جدید خانواده:

حرمت نکاح با غیر مسلمان

ماده 1052 قانون مدنی: « نکاح مسلمه با غیر مسلم جایز نیست.»

غیر مسلم (کافر) اصناف مختلفی دارد:

1- اهل کتاب: مانند یهود، مسیحی و.....

2- مشرکین: که از هیچ دینی پیروی نمی‌کنند

3- مجوسیان (زرتشتیان)

ولی در خصوص نکاح مرد مسلمان با زن غیر مسلم قانون ساکت است. حضرت امام(ره) در این خصوص در تحریرالوسیله

می‌نویسد: « به نحو منقطع اقوی جواز و بنحو دائم احوط ترک است »

همچنین ماده 1060 قانون مدنی مقرر می‌دارد: « ازدواج زن ایرانی با تبعه خارجه در مواردی که منع قانونی ندارد موکول

به اجازه مخصوص از طرف دولت است »

در این خصوص «آئین نامه اجرایی زناشویی بانوان ایرانی با اتباع بیگانه غیر ایرانی» در اجرای ماده 1060 قانون مدنی و ماده 17 قانون راجع به ازدواج* در سال 1345 به تصویب هیات وزیران رسیده است. بدیهی است در صورت ازدواج یک زن ایرانی با مرد بیگانه، رعایت این آئین نامه و دستورالعمل‌های مربوط به ازدواج با اتباع خارجی ضروری است (امامی، 1387، 147).

محدودیت آزادی زن ایرانی با مرد غیر ایرانی:

گفتار اول: بررسی دیدگاه قانون در رابطه با محدودیت آزادی زن ایرانی با مرد غیر ایرانی:

طبق ماده 987 قانون مدنی، زنان ایرانی مجاز به ازدواج با اتباع خارجی هستند اما ازدواج به این ترتیب دارای آثار متعددی، از جمله تبدیل تابعیت آنها به تابعیت دولت متبوع همسر، محدودیت در حق مالکیت آنان نسبت به اموال غیرمنقول، امکان تحصیل تابعیت همسرشان و به طور کلی آثار متعددی از لحاظ حقوقی بر زن خواهد داشت.

به طور کلی ازدواج اتباع خارجی مقیم ایران با اتباع ایرانی به دو دسته تقسیم می‌شود.

الف - مرد ایرانی که در خواست ازدواج با زن خارجی را دارد.

ب - مرد خارجی که درخواست ازدواج با زن ایرانی را دارد.

در خصوص مورد «الف» چنانچه زن خارجی دارای دفترچه پناهندگی و یا گذرنامه و اقامت مجاز در ایران باشد مراحل اجرای ثبت ازدواج از طریق نیروی انتظامی ج.ا.ا اداره امور اتباع خارجه استان مربوطه انجام و جهت بانوی خارجی پس از ثبت قانونی ازدواج شناسنامه ایرانی صادر می‌گردد. (اسعدی، 1387، 133)

در خصوص مورد «ب» که مربوط به ازدواج مرد خارجی و زن ایرانی می‌باشد که در این خصوص پروانه از طریق استانداری صادر می‌شود.

در این رابطه مطرح است که

1- اگر یک زن ایرانی بدون اجازه دولت ایران شوهر خارجی اختیار کند، یا آن که یک زن مسلمان ایرانی با مرد غیرمسلمان خارجی ازدواج نماید، دادگاه‌های ایران اثری بر این ازدواج مترتب نخواهند کرد و اگر بخواهد از همسر خود جدا شود، دولت ایران نمی‌تواند از حقوق وی دفاع کند.

2- شرع مقدس اسلام ازدواج زن مسلمان را با مرد غیرمسلمان جایز نمی‌داند و بر همین اساس است که ماده 1059 قانون مدنی مقرر داشته است که؛ «نکاح مسلمه با غیرمسلم جایز نیست»، و چنانچه زن ایرانی مسلمان بخواهد با مردی غیرمسلمان ازدواج کند، موکول بر تشریف شوهر خارجی به دین مبین اسلام است.

اگر یک زن ایرانی بدون اجازه دولت ایران شوهر خارجی اختیار کند، یا آن که یک زن مسلمان ایرانی با مرد غیرمسلمان خارجی ازدواج نماید، دادگاه‌های ایران اثری بر این ازدواج مترتب نخواهند کرد و اگر بخواهد از همسر خود جدا شود، دولت ایران نمی‌تواند از حقوق وی دفاع کند.

اما اگر این شرط مهم و اساسی هم در مردان خارجی وجود داشته باشد و آنان مسلمان باشند، باز هم موکول به اجازه مخصوص از طرف دولت است؛ زیرا براساس ماده 1060 قانون مدنی «ازدواج زن ایرانی با تبعه خارجی در مواردی هم که مانع

قانونی ندارد، موکول به اجازه مخصوص از طرف دولت ایران است.» بنابراین اگر یک زن ایرانی بدون اجازه دولت ایران شوهر خارجی اختیار کند، یا آنکه یک زن مسلمان ایرانی با مرد غیرمسلمان خارجی ازدواج نماید، دادگاه‌های ایران اثری بر ازدواج مترتب نخواهد کرد و اگر آن زن ایرانی بخواهد از همسر خود جدا شود، دولت ایران نمی‌تواند از حقوق وی دفاع کند و این عدم دفاع نه تنها شامل او، بلکه شامل فرزندان زن نیز می‌شود، زیرا در این صورت «فرزندان دارای تابعیت ایرانی نبوده و به آنان شناسنامه ایرانی داده نمی‌شود» و حتی وارث شناختن اولاد حاصل از این ازدواج هم از نظر قانونی امری غیرمجاز و ممنوع قلمداد می‌شود.

امکان ازدواج زن ایرانی با تبعه خارجی در قوانین ایران پیش‌بینی شده است. برطبق ماده 987 قانون مدنی، زن ایرانی مجاز به ازدواج با تبعه خارجی است و بر طبق ماده 1059 قانون مدنی ازدواج مرد خارجی با زن ایرانی منوط به مسلمان شدن وی و سپس، کسب اجازه مخصوص از طرف دولت است. ازدواج مزبور در صورت عدم تحصیل اجازه از دولت، به لحاظ شرعی صحیح بوده و آثار نکاح بر آن مترتب است. لکن این اقدام مستوجب مسئولیت و قابل پیگرد خواهد بود.

طبق ماده 987 قانون مدنی، زن ایرانی مجاز به ازدواج با تبعه خارجی بوده و با وقوع این امر، آثار حقوقی متعددی نیز بر احوال شخصیه او مترتب می‌شود و در اثر ازدواج زن ایرانی با تبعه خارجی، تابعیت ایرانی زن به قوت خود باقی خواهد ماند، مگر آنکه مطابق قانون دولت متبوع شوهر، تابعیت این کشور به واسطه وقوع عقد به زن تحمیل شود. باوجود این، متعاقب فوت شوهر یا جدایی با تقدیم درخواست به وزارت امور خارجه، به انضمام برگ تصدیق فوت شوهر یا سند جدایی و متارکه، تابعیت نخستین (ایرانی) زن با کلیه حقوق و امتیازات مربوطه، مجدداً به او تعلق خواهد گرفت. (صفایی، 1387، ص 252).

دلایل تغییر تابعیت زن در اثر ازدواج با تبعه بیگانه را باید در علل مختلف یافت: 1. اراده صریح یا ضمنی زن به این موضوع که با آگاهی از تفاوت تابعیت خود نسبت به تابعیت شوهر و آگاهی از اینکه تابعیت او بر اثر ازدواج به تابعیت شوهر تغییر می‌یابد، به ازدواج با او رضایت می‌دهد. 2. سلطه شوهر موجب این تغییر گشته و بر اساس ماده 1105 قانون مدنی، آن را موجه می‌سازد. 3. اثر وصف تأسیسی عقد ازدواج سبب این تغییر می‌شود.

در این زمینه می‌توان گفت که، ازدواج زن ایرانی با تبعه خارجی، یکی از جهات از دست دادن تابعیت وی، البته با فرض الزام مقرر در قانون دولت متبوع همسر اوست و زنانی که در اثر ازدواج با مرد خارجی، تابعیت خود را به نفع تابعیت خارجی شوهر از دست می‌دهند، به این دلیل که نسبت به جامعه ایرانی، بیگانه تلقی می‌شوند، براساس تبصره 2 ماده 987 همان قانون، در حقوق آنها نسبت به اموال غیرمنقول محدودیت‌هایی ایجاد می‌شود.

بر این اساس، آنها حق داشتن اموال غیرمنقول را در صورتی که موجب سلطه اقتصادی خارجی شود، ندارند و تشخیص این امر نیز با کمیسیون متشکل از نمایندگان وزارتخانه‌های خارجه، کشور و اطلاعات واگذار شده است. با وجود این، مقررات ماده 988 قانون مدنی در قسمت خروج ایرانیانی که تابعیت خود را تغییر داده‌اند، شامل زنان مزبور نخواهد بود.

موضوع تبدیل تابعیت یا تحمیل تابعیت بیگانه بر اثر ازدواج با زن ایرانی و امکان بازگشت مجدد زن به تابعیت ایرانی و پیشین خویش از اهمیتی ویژه، برخوردار است: ماده 987 قانون مدنی، نحوه مراجعت زن ایرانی به تابعیت نخستین خود را که در پی تحمیل قهری تابعیت دولت متبوع همسر خارجی وی پیش بینی کرده و آن را به عنوان یک حق مسلم و انکارناپذیر او پذیرفته است.

طبق قسمت اخیر ماده مزبور، در صورت فوت شوهر یا جدایی، وی می‌تواند با داشتن شرایط 3 گانه مقرر از طریق وزارت خارجه نسبت به بازگشت به تابعیت پیشین خود (تابعیت ایرانی) اقدام و بر اساس آن، کلیه حقوق و امتیازات متعلق به خود را مجدداً، به خویش تخصیص دهد.

این شروط عبارتند از: (جعفری لنگرودی، 1363، ص 219).

1. تابعیت ایرانی قبلی زن از نوع تابعیت‌های اصلی (و نه غیراقتسابی) باشد.
2. عامل تغییر و تحمیل تابعیت دوم (تابعیت دولت متبوع شوهر)، یعنی عامل ازدواج به طریقی، از جمله جدایی فی مابین یا بر اثر درگذشت مشارالیه، از میان رفته باشد.
3. سرانجام، به ترتیب مقرر در ماده مزبور، از سوی او از دولت ایران (وزارت امور خارجه) درخواست شده باشد.

برابر ماده 1060 قانون مدنی، ازدواج زن ایرانی باتبعه خارجی در مواردی هم که مانع قانونی ندارد، موقوف به اجازه مخصوص از طرف دولت است. این تأسیس، از نظامات حکومتی بوده و فاقد جنبه فقهی است. بنابراین گرچه، ازدواج زن مسلمان ایرانی با مرد مسلمان خارجی در قانون ایران تجویز شده است. با وجود این، طبق ماده 106 قانون مدنی و طبق ماده 17 قانون راجع به ازدواج، مصوب 23 مرداد 1310 با اصلاحات بعدی آن در مواردی که مانع قانونی ندارد، موقوف به اجازه مخصوص بوده و دولت باید در هر نقطه، مرجعی را برای دادن اجازه، معین کند. بر این اساس، آیین‌نامه زناشویی بانوان ایرانی، بدو در آبان ماه 1319 تصویب و پس از اجرای ماده 1060 قانون مدنی و طبق ماده 17 قانون ازدواج با انجام اصلاحاتی مصوب شد. طبق ماده یک آیین‌نامه اخیرالذکر، وزارت کشور مجاز به صدور پروانه ازدواج زناشویی بانوان ایرانی با اتباع خارجی با رعایت داشتن شرایط مقرر در آیین‌نامه مزبور است.

طبق آیین‌نامه مذکور این مراحل عبارت است از: 1. تقدیم درخواست نامه مرد و زن مبنی بر تقاضای صدور پروانه اجازه زناشویی به وزارت کشور. 2. گواهی‌نامه از مرجع رسمی کشور متبوع مرد، مبنی بر بلامانع بودن ازدواج با زن ایرانی و به رسمیت شناختن ازدواج در کشور متبوع مرد. در صورتی که تهیه گواهی‌نامه مذکور برای متقاضی امکان پذیر نباشد، وزارت کشور می‌تواند بدون دریافت مدرک فوق، در صورت رضایت زن، پروانه زناشویی را صادر کند. 3. در صورتی که مرد غیرمسلمان و زن مسلمان باشد، گواهی یا استشهاد تشریف مرد به دین مبین اسلام. همچنین، وزارت کشور طبق ماده 3 آیین‌نامه مزبور، موظف شده در صورت تقاضای زن، علاوه بر مدارک موضوع ماده 2، نسبت به تحصیل مدارک ذیل از مرد تبعه خارجی اقدام کند که این مدارک شامل؛ 1- گواهی‌نامه مبنی بر اینکه مرد مجرد است یا متأهل، از مرجع رسمی محلی یا مأموران سیاسی و کنسولی کشور متبوع مرد. 2- گواهی نداشتن پیشینه بد و محکومیت کیفری مرد از مراجع رسمی محلی یا مأموران سیاسی و کنسولی کشور متبوع مرد و همچنین، گواهی عدم سوء پیشینه کیفری از مراجع کشور، در صورتی که مرد بیگانه در ایران اقامت داشته باشد. 3- گواهی از مراجع محلی یا مأموران سیاسی و کنسولی کشور متبوع مرد، مبنی بر وجود استطاعت و مکنت زوج و همچنین، تعهدنامه ثبتي از طرف مرد بیگانه، مبنی بر اینکه تعهد شود هزینه و نفقه زن و اولاد و هرگونه حق دیگری که زن نسبت به او پیدا می‌کند، در صورت بدرفتاری یا ترک و طلاق پرداخت کند. علاوه بر این، طبق تبصره ذیل ماده 3 آیین‌نامه مزبور (الحاقی مورخ 49/4/20) به وزارت کشور اجازه داده شده به منظور حصول اطمینان و ضمانت در حسن انجام وظایف قانونی زوج تبعه خارجی در قبال زوجه ایرانی، از جمله حسن رفتار و اتفاق در تمام مدت زناشویی و ادا و اجابت مالی زوجه و

اولاد تحت حضانت و نیز هزینه مراجعت همسر مطلقه تا محل سکونت زن در ایران، در صورت وقوع متارکه و طلاق، از مشارالیه (تبعه خارجی) تأمین مناسب اخذ کند. (صفا 72، 1390).

این تضمین و تعهدنامه بر اساس فرم‌های مصوب وزارت کشور خواهد بود. با وجود این، صدور پروانه زناشویی قائم به وزارت کشور نبوده، بلکه به تجویز ماده 4 آیین نامه مزبور، وزارت کشور می‌تواند نسبت به تفویض اختیار به استانداری‌ها و فرمانداری‌های کل و همچنین، با موافقت وزارت امور خارجه، به بعضی از نمایندگان کنسولی و سیاسی ایران در خارج اختیار دهد که طبق مقررات این آیین‌نامه نسبت به صدور پروانه مزبور در محل اقدام و مراتب را به ثبت احوال اعلام کنند.

گفتار دوم: مشکلات و پیامدهای ازدواج با اتباع بیگانه

مهاجرت اتباع خارجی به کشور به صورت قانونی و غیر قانونی منشأ بروز مسایل مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و برخی ناهنجاری‌هاست.

یکی از این ناهنجاری‌ها ازدواج مهاجران خارجی با اتباع ایرانی و به ویژه ازدواج مردان افغان با زنان ایرانی است که بدون رعایت مقررات قانونی صورت گرفته است.

از لحاظ قانونی این گونه ازدواج‌ها از آثار قانونی ثبت ازدواج، صدور شناسنامه برای فرزندان و تابعیت زوجین در پی ازدواج و غیره برخوردار نیست.

اما این ازدواج‌ها با مشکلات زیادی مواجه هستند

در برخی از موارد دیده شده که مرد خارجی علی‌رغم تعهدی که به خانواده دختر مبنی بر عدم خروج وی از ایران را داده اند عروس را به کشور خود می‌برد.

همچنین زنان و مردان با دو فرهنگ متفاوت ازدواج می‌کنند و زن ایرانی به سختی می‌تواند با فرهنگ مرد کنار بیاید. علاوه بر اینکه برخی از کارها مانند چند همسری که در ایران منفور است در بین فرهنگ آنها، جایگاه خاصی دارد و ترغیب شده است. این تعارضات و حشتناک فرهنگی، همگی به روح و روان زن آسیب می‌رساند.

فرزندان این ازدواج‌ها هم به دلیل نداشتن شناسنامه ایران قادر به تحصیل نخواهند بود بنابراین بی‌سوادی مشکل اصلی کودکان حاصل از چنین ازدواج‌هایی است.

همچنین زنان و مردان با دو فرهنگ متفاوت ازدواج می‌کنند و زن ایرانی به سختی می‌تواند با فرهنگ مرد کنار بیاید. علاوه بر اینکه برخی از کارها مانند چند همسری که در ایران منفور است در بین فرهنگ آنها، جایگاه خاصی دارد و ترغیب شده است. این تعارضات و حشتناک فرهنگی، همگی به روح و روان زن آسیب می‌رساند.

بروز و تشدید تعارضات روحی و روانی در فرزندان ناشی از ازدواج زنان ایرانی با اتباع خارجه نیز یکی از تبعات ازدواج‌های مزبور است. عدم تعیین تکلیف هویتی و سایر مشکلات ناشی از آن باعث ایجاد نوعی تعارض در این فرزندان شده که بتدریج به فشارها و تعارضات روانی بدل می‌شود.

وجود تعارضات روحی و روانی در زنان مزدوج با مردان خارجی قبل و بعد از ازدواج از فراوانی و درصد بالایی برخوردار می‌باشد. با استناد به یافته‌های این تحقیق می‌توان ادعا کرد که وجود تعارضات روحی و روانی و مشکلات مربوط به آن یکی از

عوامل مستعد کننده زنان به تمایل به ازدواج با خارجیان بوده و از طرف دیگر بروز و وقوع این نوع ازدواج و معضلات و مشکلات ناشی از آن می‌تواند از عوامل تشدید تعارضات روحی و روانی اینگونه زنان باشد.

گفتار سوم: عدم تحصیل اجازه اتباع خارجی در صورت اقدام به ازدواج با زن ایرانی

گرچه، طبق ماده 17 قانون ازدواج و ماده 1060 قانون مدنی، ازدواج ایرانی با تبعه خارجی در مواردی که هم منع قانونی ندارد، موکول به اجازه مخصوص از طرف دولت، به ترتیب ذکر شده است و بدون اجازه وزارت کشور، ثبت آن ممکن نیست، با وجود این، طبق قسمت اخیر ماده 17 مزبور، در صورت عدم تحصیل اجازه و اقدام به ازدواج با زن ایرانی، مستوجب تحمل حبس تأدیبی از یک تا 3 سال خواهد بود.

ضمن این که، عدم ثبت واقعه نکاح طبق ماده 645 قانون مجازات اسلامی جرم بوده و مستوجب مجازات مقرر در آن است. با عنایت به مواد 5، 6 و 7 قانون مدنی، اتباع خارجی نیز در این خصوص، مستثنا نبوده و ملزم به ثبت واقعه ازدواج، به ترتیب ذکر شده هستند. به علاوه، برابر بندیک ماده 45 اصلاحی قانونی ثبت احوال، محاکم ایرانی با رعایت ماده 1060 قانون مدنی از پذیرش دعوی و صدور حکم به ثبت واقعه نکاح اتباع خارجی با زنان ایرانی (قبل از تحصیل اجازه مخصوص از وزارت کشور) خودداری کرده و نظر به آنکه، وفق بند 3 همان ماده، جرم موضوع ماده 17 قانون ازدواج و ماده 645 قانون مجازات اسلامی، در شمار جرایم عمومی هستند، لذا در صورتی که دادگاه‌ها در جریان رسیدگی به دعوی مربوط به ازدواج به این گونه جرایم برخورد کنند، مکلفند طبق قانون آیین دادرسی کیفری و ماده 12 قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب به جرم انتسابی رسیدگی کنند و عدم شکایت شاکی خصوصی یا اداره ثبت احوال، مانع از رسیدگی و صدور حکم نخواهد بود.

ضمناً، طبق بند 184 مجموعه بخشنامه‌های ثبتی، به کلیه دفاتر اسناد رسمی کشور ابلاغ شده است که در صورت عدم تحصیل اجازه از وزارت کشور توسط اتباع خارجی در ازدواج با زنان ایرانی، از درج موضوع عقدنامه در گذرنامه خودداری کنند.

در صورت ازدواج زنان ایرانی با اتباع خارجی با فرض رعایت ماده 17 قانون ازدواج و وقوع عقد و ثبت در دفتر ازدواج، طبق بند 185 مجموعه بخشنامه‌های مزبور، اعلامیه ای شامل نام و نام خانوادگی، تابعیت زوج، شماره گذرنامه زوج و محل صدور، شماره پروانه اقامت و اظهارنامه زوج و محل صدور آن شماره و محل صدور اجازه نامه ازدواج به عمل آمده طبق ماده 17 قانون مزبور، اقامتگاه (محل سکونت) زوجین و شماره برگ هویت زوج و محل صدور آن به وسیله ثبت محل به شهربانی (نیروی انتظامی) مربوطه ارسال و مرجع اخیر الذکر، مطابق مقررات، مراتب را به دفتر ثبت احوال اطلاع خواهد داد.

با وجود این، گرچه ازدواج زن ایرانی با مرد تبعه خارجی که منع قانونی نداشته باشد، موکول به اجازه دولت بوده و بر آن، ضمانت‌های اجرایی و قانونی مذکور مترتب است ولی براساس نظریه مشورتی اداره کل حقوقی قوه قضاییه کسب اجازه از وزارت کشور، شرط صحت عقد نبوده و اخذ شناسنامه برای فرزندان زوجین که مادر آنها، ایرانی بوده و در ایران متولد شده اند، فاقد اشکال است و با توجه به صحت ازدواج فیما بین، تقاضای ابطال آن به لحاظ فقد اجازه وزارت کشور، مسموع نبوده و قابل پذیرش نیست.

به علاوه، گرچه ثبت ازدواج در ایران جنبه نظم عمومی دارد و باید به ثبت برسد و در این امر تفاوتی بین اتباع ایرانی و خارجی وجود ندارد و در صورتی که صحت نکاح از لحاظ ارکان اساسی آن محرز نشود، عدم کسب اجازه زوج تبعه خارجه، تاثیری در قضیه نداشته و نکاح مربوطه باید به ثبت برسد و دادگاه در این مورد، می تواند بعد از رسیدگی و احراز وقوع صحیح و شرعی نکاح، دستور ثبت آن را صادر کند.

همچنین، براساس نظریه مشورتی شماره 7/5082 اداره کل مزبور؛... با وقوع ازدواج شرعی هم رعایت آن از نظر مقررات مملکتی الزامی است، بنابراین در صورتی که زوجین بخواهند ازدواج غیررسمی خود را در دفتر رسمی ازدواج ثبت کنند، تحصیل اجازه از وزارت کشور یا مقاماتی که وزارت مزبور تعیین کرده است، ضرورت دارد؛ خواه این اجازه قبل یا بعد از وقوع ازدواج شرعی اخذ شده و جز مدارک مزبور، سایر مدارک لازم موکول به نظر مراجع مربوطه است.

بند اول: عدم تحمیل تابعیت دولت متبوع تبعه خارجی به زن ایرانی

به استناد ماده 978 قانون مدنی، در صورت عدم تحمیل تابعیت دولت متبوع تبعه خارجی به زن ایرانی، وی در تابعیت ایرانی خود باقی خواهد ماند، لکن در صورت ایجاد اختلاف در روابط شخصی و مالی آنها (زوجین) در ایران، از جمله حصول به اختلاف در خصوص مواد 1102 و 1118 قانون مزبور، تعیین قانون صالح و در نتیجه دادگاه ذی صلاح برای رسیدگی و حل و فصل موضوع، دارای اهمیت است.

بند دوم: بروز اختلاف در روابط شخصی و مالی زوجین

قانون مدنی ایران در این گونه موارد، قایل به ترجیح قانون دولت متبوع زوج یا همان تبعه خارجه است. زیرا، طبق ماده 963 آن قانون: اگر زوجین تبعه یک دولت نباشند، روابط شخصی و مالی آنها تابع قوانین دولت متبوع شوهر خواهد بود. بنابراین، اگر زن ایرانی که دارای شوهر خارجی است با استناد به قانون ایران، خود را مجاز به همه نوع تصرف در اموال خود بداند، در حالی که قانون دولت متبوع شوهر، زن را مجاز در تصرفات مستقل نسبت به دارایی خود نداند، در اینجا باید زن را به ترتیب فوق، مشمول قوانین دولت متبوع شوهر دانست.

قانون دولت متبوع زوج در بیشتر مسایل مربوط به احوال شخصیه بر قانون متبوع زوجه دارای اولویت بوده و در قوانین عمده کشورها نیز تابعیت شوهر به زن، متعاقب ازدواج تحمیل می شود، لذا موضوع طلاق را نیز نمی توان مشمول قانون دولت متبوع زن دانست، به نحوی که ماده 963 قانون مدنی ایران نیز موید آن است چه، به موجب این ماده؛ اگر زوجین تبعه یک دولت نباشند، روابط شخصی و مالی بین آنها تابع قوانین دولت متبوع شوهر خواهد بود.

بند سوم: اقامتگاه زن و شوهر دارای تابعیت متفاوت

در حقوق ایران، علاوه بر اصل وحدت تابعیت زن و شوهر، وحدت اقامتگاه آنان نیز وفق مواد 1005 و 1114 قانون مدنی نیز پذیرفته شده است. طبق مفاد ماده 1005 آن قانون، زن باید در منزلی که شوهر تعیین می کند، سکنی گزیند. علاوه بر این، زن می تواند در صورت نامعلوم بودن اقامتگاه شوهر، برای خود اقامتگاه داشته باشد.

بند چهارم: روابط بین ، اولاد و قیمومیت زن و شوهر دارای تابعیت متفاوت

طبق ماده 964 قانون مدنی، روابط بین ابویین و اولاد، تابع قانون دولت متبوع پدر است، مگر آنکه نسبت طفل به مادر مسلم باشد. در صورت وحدت تابعیت بین ولی و مولی علیه، قانون دولت متبوع آنها حاکم است، لکن در صورت تعدد تابعیت فی مابین و بروز اختلاف در مورد حق حضانت یا اداره کردن اموال مولی علیه، موجب ظهور اختلاف در قانون و دادگاه حاکم خواهد شد.

بر طبق ماده 965 قانون مدنی؛ ولایت قانونی بر طبق قوانین دولت متبوع مولی علیه خواهد بود. بنابراین، اگر یک طفل ایرانی، ولی خارجی داشته باشد، طرز اجرای حق قانونی ولی طبق قانون دولت ایران که در واقع، همان دولت متبوع مولی علیه (طفل) بوده، خواهد بود و ولی خارجی نمی‌تواند حق ولایت خود را براساس قوانین دولت متبوع خویش اعمال کند. همچنین، در خصوص قیمومیت به عنوان یکی دیگر از موارد احوال شخصیه، طبق همان ماده نصب قیم بر طبق قوانین دولت متبوع مولی علیه خواهد بود. زیرا، فرض مقنن در خصوص ولایت قانونی و نصب قیم و ایجاد قیمومیت، حمایت از صغار و توجه به مصلحت آنها و حفظ منافع مولی علیه بوده و نه برای حفظ منافع ولی یا قیم قانونی آنها. به طور کلی ازدواج زنان ایرانی با اتباع خارجی، به ترتیب فوق مجاز بوده اما دارای آثار متعددی، از جمله تبدیل تابعیت آنها به تابعیت دولت متبوع همسر، محدودیت در حق مالکیت آنان نسبت به اموال غیرمنقول و امکان تحصیل تابعیت همسرشان و... است.

نتیجه گیری:

همانطور که پیشتر بحث شد، در نظام حقوقی اسلام، زنان و مردان دارای حقوق مشخصی بوده و این حقوق در مسائل مختلفی اعم از ازدواج و طلاق به صورت مشخصی تبیین و تفسیر شده است. قانون‌گذار در کشور نیز با تاسی از این قوانین به شکل منسجمی به بررسی حقوق زن و مرد در ازدواج اشاره داشته است. با این وجود هم در عرف و حقوق مدنی و هم در اسلام برخی از محدودیت‌ها در تباین با آزادی‌های زن در انتخاب همسر پیش بینی شده است که در این پژوهش به آنها اشاره شده است.

با توجه به آنچه که در شرع به آن اشاره شده و آنچه که در قانون مدنی ایران اسلامی آمده، سعی شده که به نوعی از زن حمایت شود. به هر حال آزادی نیز نمی‌تواند بی قید و بند باشد و برای آن نیز تعریفی وجود دارد اما آنچه را که ما در پیرامون آن قلم فرسایی کرده ایم دفاع از حقوق زن و آشنایی آنها با حقوق انسانی و قانونی شان بوده است. به هر حال در قانون جمهوری اسلامی ایران نیز برای زن حق انتخاب قائل شده اند که این حق در دین اسلام و فقه شیعه نیز محفوظ بوده است. آنچه که لازم به ذکر است این است که انتخاب دختر و اجازه ی ولی مکمل هم در نظر گرفته شده است و اگر ولی دختر بدون دلیل با انتخاب دختر مخالفت کند اجازه ی ولی ساقط شده و دختر می‌تواند با مراجعه به قانون با مرد مورد انتخاب خویش ازدواج نماید. البته بعضی از فقها باز هم این ازدواج را درست ندانسته و گفته اند که دختر اگر چه با اجازه ی قانون ازدواج کرده است اما به دلیل عدم اجازه ی ولی، ازدواج او از نظر شرعی دارای اشکال می‌باشد. البته این فقیهان بیان داشته اند که دختر بعد از انجام چنین ازدواجی باید سعی نماید که رضایت ولی را جلب کرده و به این شکل از لحاظ شرعی نیز ازدواج او

صحیح خواهد بود. با توجه به آنچه که در شرع و قانون اسلامی آمده است تلاش بر این اصل بوده که زن مورد حمایت خانواده و قانون قرار گیرد منتها برخی از متقدمین بر این گونه از احکام و قوانین نقد داشته و آن را به نوعی مغایر با اصل برابری حقوق زن و مرد دانسته اند. آنها بیان داشته اند که در قوانین و دستورات فقهی به نوعی برای زن محدودیت در انتخاب قائل شده اند در حالی که در قوانین مندرج در سازمانهای بین المللی که به دفاع از حقوق زن بر آمده اند همه چیز برای زن و مرد برابر در نظر گرفته شده است. در مقابل این منتقدین بسیاری از روشنفکران اسلامی به ایرادات گرفته شده از طرف آنها، پاسخ گفته اند و آزادی‌های موجود در قوانین غربی را بی بندوباری و باعث از هم پاشیدگی کانون خانواده دانسته اند. آنها آنچه را که در غرب بر زنان می‌گذرد و به حساب غربیان آزادی و تساوی حقوق زن نام گرفته است را به نوعی سوء استفاده از زن و استفاده ی ابزاری از آنها در راستای منافع مردان دانسته اند. که دلایل آنها نیز در جای خویش معتبر است. بنا بر گفته این دسته از علما دستورات بشری به تنهایی نمی‌تواند انسان را به تکامل برساند و تنها این دستورات آسمانی است که می‌تواند خیر و صلاح انسان را رقم بزند. از نظر اکثر علمای اسلامی تنها؛ حقوقی که در اسلام برای زنان در نظر گرفته شده می‌تواند خیر و صلاح آنان را رقم بزند و قوانین بشری راهگشای مشکلات آنان نخواهد بود. در اسلام زن مسلمان حق ندارد با مرد غیر مسلمان ازدواج نماید که این یکی از مهمترین مسایل مورد بحث در حقوق زن است. به هر حال اسلام هیچ گاه زن را تنها رها ننموده و سعی داشته که به نوعی از این موجود مهم و حساس پشتیبانی نماید در این زمینه نیز همین عبارت صدق می‌نماید. در بیشتر فرهنگها زن پس از ازدواج باید به خانه ی شوهر برود و با فرهنگ آنان خو بگیرد و به فرهنگ خانواده ی همسر ملبس شود. در این صورت اگر یک زن مسلمان با مردی غیر مسلمان ازدواج کند ممکن است که دین او نیز تحت تأثیر عوامل محیطی در خانواده ی شوهر قرار گیرد و مجبور به تغییر دین خود گردد که اگر چنین شود آن زن سعادت دنیا و آخرت خود را از دست خواهد داد. البته اگر مرد غیر مسلمان، مسلمان شود در این صورت ازدواج آنان بلامانع خواهد بود.

در قوانین جمهوری اسلامی ایران تا آنجا برای زن ارزش قایل شده اند و خود را در مقابل این قشر مهم مسئول دانسته اند که حتی ازدواج زن مسلمان با مرد مسلمان غیر ایرانی را هم تنها با اجازه ی حاکم شرع و مقامات مسئول جایز دانسته اند و به این شکل قانون گذار قصد داشته تا از زن ایرانی حتی در خارج از کشور حمایت لازم را به عمل آورد. به هر حال قوانین الهی برای خیر و صلاح انسان ارایه گردیده اند و از قرن‌ها قبل تا هم‌اکنون توانسته اند که جوامع بشری را به درستی هدایت و رهبری نمایند. این قوانین که در گذر از قرن‌ها و سیر زندگی جوامع گوناگون کاملاً از آزمایشات سربلند بیرون آمده است برعکس بسیاری از قوانین غربی که بعد از مدتی به دلیل فجایع بوجود آمده منسوخ می‌گردند همیشه پا بر جا بوده اند.

منابع:

◀ قرآن کریم

- سیاح، احمد: «المنجد»، تهران، نشر انتشارات اسلام، چ شانزدهم، 1373.
- امامی، سید حسن. حقوق مدنی. تهران: کتابفروشی اسلامیہ، 1375.
- صفایی، سید حسن؛ قاسم‌زاده، سید مرتضی: «حقوق مدنی اشخاص و محجورین»، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتاب علوم انسانی، چ اول، 1375.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر: «دایرة المعارف علوم اسلامی» تهران، گنج دانش، چ اول، 1363.